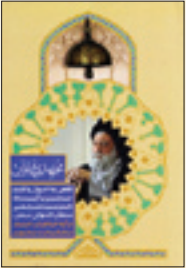


نظر و گذری بر یادمان

زنده‌یاد آیت‌الله سیدمر ترضی مستجابی

اوراق و اسنادی نو انتشار در باره «مجتهدی پهلوان»

■ شاهد توحیدی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در دوره حیات زنده‌یاد آیت‌الله سید مر ترضی مستجابی نشر یافت و شمه‌ای از خاطرات و اسناد ایشان را در خود

دارد. این مجموعه به گاه‌برگ‌زاری کنگره بزرگداشت آن عالمِ راحل و از سوی انتشارات شهرداری اصفهان روانه بازار کتاب شده است. علی‌کریباسی‌زاده اصفهانی، دانشیار دانشگاه اصفهان در مقدمه خود بر این مجموعه چنین آورده است:

«آنچه در این کتاب از خاطرات و نوشته‌ها تا اسناد و تصاویر می‌خوانید و می‌بینید، هم مستجابی هست و هم نیست! آری، به ظاهر، نوشته‌هایی از او، اسنادی در باره وی و تصاویری از خود ایشان است. اینکه با چه کسانی بوده و چه‌احوالی بر او گذشته و چه کرده و چه دیده و شنیده و چگونه زیسته و به‌سر برده است، اما با این همه مستجابی نیست! تعجب نکند، همه این اسناد و تصاویر واقعی است و نوشته‌ها از خود اوست، اما مگر می‌توان آب دریا را در کوزه ریخت؟ به‌فرموده خودش اینجا یک صدم مستجابی واقعی هم نیست و نمی‌تواند گویای شخصیت، منش، حیات و احوال نزدیک به یک سده زندگی پر تلاطم او باشد. آخر چگونه یک سده تاریخ این مرز و بوم، آن هم حوادث، ماجراهای مهم اجتماعی و سیاسی و وقایع شگفت‌آور کشور در دوران اخیر، از تحولات نقش‌آفرین در قیام آیت‌الله کاشانی گرفته تا فعالیت‌های فداییان اسلام، مقابله با جریان کسروی، حادثه ملی شدن صنعت نفت، رفت و آمد با مراجع نام‌آور شیعه، رجال بزرگ علمی و سیاسی و اقدامات فرهنگی و تأسیس مراکز پزشکی، علمی، ورزشی و بسیاری دیگر از رخداد‌های مهم که در هر کدام نام



■ آیت‌الله سیدمر ترضی مستجابی

کنار شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر

و نشان مستجابی و تأثیر گذاری او دیده می‌شود، در یک یا دو جلد کتاب گنجاندنی است؟! افزون بر اینکه شمار بسیاری از اسناد و تصاویر و مکاتبات ایشان از بین رفته و در دسترس نیست! کاری بس دشوار و طاقت‌فرساست شناساندن چهره‌ای که از یکسو در صف اول مبارزات و تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در یک سده اخیر نقش‌آفرینی کرده، از دیگر سو خود از علما و دانشمندان معاصر و از بزرگ‌ترین بیوت علمی و سرشناس از خاندان علم و فقا‌هت (آل صدرعاملی) و نیز پهلوان گود زورخانه، اهل شعر و ادب و هنر، خطاطی، خیر و ساعی در امور اجتماعی و فرهنگی و در یک کلمه، جامع علم و عمل و هنر، سیاست و کرامت و متصف به صبر و پرهیز کاری و متانت بوده‌است. چه می‌توان گفت در وصف بزرگمردی که دست راست آیت‌الله کاشانی، رفیق خاص شهید نواب صفوی، محرم اسرار امام موسی‌صدر، یار با وفای شهید سیدمحمدباقر صدر، دوست صدیق سیدمصطفی خمینی، پناه مظلومان و پشتیبان عالمان و دانشمندان و پشت و پناه مردم بوده است. در وصف او بزرگانی مانند آیت‌الحق و العرفان علامه میرسید علی فانی می‌توانند بگویند و برسانند که در لابه‌لای این کتاب، اقوال و کلمات و اشعار بزرگان را در وصف و مدح او خواهید خواند. او خود را آخوند، به معنای معمول کلمه نمی‌داند! ترجیح می‌دهد پهلوانی لوتی صفت بداندش که در میان مردم و با آنان است، نه از گروه یا طبقه‌ای خاص و جدا از دیگران. شاید هر کسی از دید خود، در این مجموعه بنگرد، برای مثال قشر طلاب و حوزویان، تحصیلات علمی، استادان، هم‌شاگردی‌ها و مانند آن را دنبال کنند، اهل سیاست، فعالیت‌های اجتماعی و مجموعه‌ای از اسناد و مدارک و دغدغه‌های خاص خود را بچوبند، اما هنرمند، پهلوان، شاعر، خیر، کاسب و عامه مردم نیز با توفیق این مجموعه، گویی گمشده خود را در آن می‌یابند و لذت خواندن و دیدن مطالب آن را از یاد نخواهند برد...»

منش اخلاقی چهره‌هایی چون زنده‌یاد مستجابی، میراثی گرانسنگ برای طلاب جوان حوزه‌های علمیه به شمار می‌رود. آنان که در روزگار بلاخیز کنونی با چالش‌های فراوان نظری و عملی مواجه‌شد و همواره باید به کار آمدی منش اجتماعی خویش نظر داشته باشند. به کارگیری تجربه آن فقید سعید می‌تواند در جذب همه اقشار و به ویژه جوانان بسیار مؤثر و مفید باشد



آیت‌الله سیدمر ترضی مستجابی در واپسین سال‌های حیات

چهلمین روز از تحال زنده‌یاد آیت‌الله سیدمر ترضی مستجابی تداعی گر یک قرن مهرورزی و مبارزه

سخن که می‌گفت گویی شعر می‌سرود!

■ احمد رضا صدری

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی گر چهلمین روز از تحال زنده‌یاد آیت‌الله سیدمر ترضی مستجاب الدعوائی (مستجابی) است. از آیین روی و در نکوداشت یاد و خاطره آن روحانی خدوم، یادمان پی آمده به ششما تقدیم می‌شود. در مقالی که پیش‌رو دارید، خصال فردی و اجتماعی آن فقید سعید، در آیین پنج روایت مورد بازخوانی قرار گرفته است، روحش ششاد و یادش گرامی باد.

■ ■ ■

■ او حاتم طایی دوران ما بود!

در آغاز سخن، بهنگام است بر مختصات حیات زنده‌یاد آیت‌الله سید مر ترضی مستجابی، مروری گذرا داشته باشیم. این امر موجب می‌شود در بخش‌های بعدی مقال، مطالب ارائه شده به سهولت فهم شوند. بحسب‌الاسلام و المسلمین حسین انصاریان از مرادوان آن مرحوم، در این فقره به نکاتی مهم اشارت برده است:

«جوانی در آن روزگار نامیدی، در دوران فرار عالمان و کسانی که دین را در آخر خط می‌دیدند، از یکی از خانواده‌های معتبر ایرانی، شجاعت روحی به خرج داد و طلبه شد. کسی که در چنان زمانی، با عشق و علاقه و روح بلند طلبه شود، همان زمان باید او را پهلوان دانست. پهلوانی تنها به آثار ظاهر شده در بدن با ورزش‌های مختلف نیست. این پهلوانی که منشأ دینی، اعتقادی و ملکوتی دارد، پهلوانی روحی است. در عنفوان جوانی، پهلوانی خود را به میدان علم و حوزه و دین آورد و خود را به نقطه قابل قبولی رساند. در این بین مبارزات سخت جوانی از نجف برگشته به نام سید مجتبی نواب صفوی با تشویق علامه امینی آغاز شد و تشکیلاتی را به نام فداییان اسلام سر پا کرد

عاریخ

تاریخ ۶۰۴-۸۸۵۲۳

سده اخیر نقش آفرینی کرد، از دیگر سو خود از علما و دانشمندان معاصر و از بزرگ‌ترین بیوت علمی و سرشناس، یعنی از خاندان علم و فقا‌هت (آل صدر عاملی) و نیز پهلوان گود زورخانه، اهل شعر و ادب و هنر، خطاطی، خیر و ساعی در امور اجتماعی و فرهنگی بود. در یک کلمه، ایشان جامع علم و عمل، هنر و سیاست و کرامت و متصف به صبر و پرهیز کاری و متانت بود. ایشان از یاوران آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، محرم اسرار امام موسی صدر، یار با وفای شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، پناه مظلومان و پشتیبان عالمان و دانشمندان و پشت و پناه مردم بود که جامعه‌اسلامی و به ویژه شهر اصفهان، از برکات نامبرده متنعم بود. سخن در راستای تبیین شخصیت این بزرگ مرد، بسیار است و قلم از نگارش این ناتوان...!»

■ سرشار از روحیه جوانمردی

در میان آنچه آیت‌الله فقید را از بسیاری متفاوت می‌ساخت، فتوت و جوانمردی‌اش بر جسته بود. در این باره، داستان‌هایی شگفت‌انگیز روایت شده است. بخشی از آنها در گفتار آیت‌الله هادی نجفی از علمای اصفهان به اشاره و تفصیل بیان شده‌اند:

«متأسفانه حوزه‌های علمیه و نهادهای فرهنگی، انگونه که باید، قدر شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مستجابی را ندانستند و آنها را به درستی معرفی نکردند. با این همه ایشان خود را طلبکار کسی نمی‌دانست و از هیچ‌کس چیزی نمی‌خواست. زندگی فردی و خصوصی ایشان سرشار از روحیه پهلوانی بود. او یک پهلوان واقعی بود، فردی که همه چیز خود را فدای ملت می‌کرد و برای مردم، از جان‌ودن مایه می‌گذاشت. از کمک به دیگران لذت می‌برد و در خانه‌اش، همیشه، بیست‌وچهارساعته به روی خلق خدا باز بود! تا جایی که در توان داشت، نیازهای مردم را برآورده می‌ساخت. افرادی نژد او می‌آمدند و درخواست کمک مالی می‌کردند. اگر امکانش را داشت، بی‌درنگ پرداخت می‌کرد، بدون آنکه چک، سفته یا ضمانتی از آنها بگیرد. به او می‌گفتند برخی از این افراد ممکن است پول را برنگردانند. در پاسخ می‌گفت اگر نیاورند، هم نیاورند! او روحیاتی خاص و بی‌نظیر داشت، همانطور که عرض کردم، یک پهلوان واقعی بود، پهلوان به معنای حقیقی کلمه، اهل فتوت و جوانمردی. یک روز یکی از بزرگان – که نامی از

او نمی‌برم – چکی را برای ایشان فرستاد. ایشان به بنده گفت می‌خواهم این چک را پس بدهم، من چنین چیزهایی را قبول نمی‌کنم. بنده چون می‌دانستم که بر گرداندن این وجه ممکن است آن شخص را ناراحت کند، پیشنهاد دادم این مبلغ را به یک فرد نیازمند بدهند. ایشان نیز این نظر را پذیرفتند و چنین کردند. خاطره جالب دیگری که می‌توان از آن بزرگوار نقل کرد، این است که ایشان منزل پدری را از ورثه خرید، آن را تخریب کرد و در همان مکان خانهای برای خود ساخت. سپس زمین مجاور آن را خریداری کرد و آنجا درمناگانی احداث کرد – که آن را به نام درمناگه امام موسی صدر ثبت کرد. این درمناگه، سال‌هاست به فعالیت مشغول است و مخصوص فقراست. هزینه ویزیت پزشکان و درمانی‌های خود، زیبا زیست و ییاد ماده‌های ذهنی ماندگاری از خدمات و فرارز و فرودهای زندگی خویش را از دوران تحصیل و مبارزه و درک بزرگانی از حوزویان همچون آیات عظام: ربورج‌ردی، خوانساری، خویی، شاهرودی، امام موسی صدر، امام خمینی و سدها ستاره دیگر حوزوی، سیاسی و اجتماعی و جز اینها را در خاطره‌ها جودان ساخت. آیت‌الله شخصیتی بود با روحیات ویژه که او را از پیشتره هم‌سلکان خود جدا می‌ساخت. یک روحانی، اما نه یک روحانی عادی، بلکه یک روحانی به معنای کلمه! مجالست و مصاحبت با او، ویژگی‌های خاصی را داشت که کمتر در این لباس و سلک دیده می‌شود. کوله باری از خاطرات بیش از ۹ دهه مصاحبت با شخصیت‌های بزرگ این قرن را به همراه داشت و از آنجا که از حافظه بسیاری بهر مند بود، خوش زبانی او در نقل رخدادها و خاطرات، شیرینی خاصی را به همراه داشت. مردی که در شمار مفاخر و بزرگان شهر اصفهان به شمار می‌آمد. عبا و عمامه به سر می‌گذاشت، اما روحیه پهلوانی‌اش به همان میزان حاد و بر جسته بود. او از یاران و دوستان نزدیک امام موسی صدر نیز بود و در این راستا، راوی خاطراتی از این روحانی برجسته سیاسی و فعال مبارز مقاومت لبنان بود... آیت‌الله مستجابی از یکسو در صف اول مبارزات و تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در یک مبارزه ایستاد.

«آیت‌الله مستجابی در انتظار عمومی به «مجتهد پهلوان» شهرت یافته است. این امر از آن روی است که وی از دوران نوجوانی و علاوه بر تحصیل علوم اسلامی به ورزش باستانی نیز علاقه‌مند شد و در آن به مدارج کمال رسید. آن زنده‌یاد تا پایان حیات نیز با گود زورخانه قربات و الفت خویش را حفظ کرد. احمد مقیمی از یاران آیت‌الله در این خصوص آورده است:

«آیت‌الله مستجابی یکی از مجتهدان برجسته‌ای بودند که از بزرگانی چون مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری و آیت‌الله علامه فانی اجازه اجتهاد دریافت کرده بودند. این ویژگی ممتاز نشان از دانش علمی عمیق ایشان دارد که در سننین جوانی به درجه اجتهاد رسیدند. همچنین از بسیاری از علمای بزرگ دیگر نیز اجازه اجتهاد داشتند که این نشان از شناخت و اعتماد علمای برجسته به توان علمی ایشان بود. آیت‌الله مستجابی به عنوان یک مجتهد جوان توانست نقش مهمی در ترویج علم و دانش اسلامی ایفا کند و در میان طلاب و فضلا جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. آیت‌الله مستجابی با توجه به خلق و خوی مردمداری، فتوت و جوانمردی به عنوان الگویی از سلوک اخلاقی و

عرفانی شناخته می‌شدند. ایشان به مردمداری و سفره‌داری معروف بودند و همواره در خانه خود را به روی مردم باز می‌کردند. در مکتب آیت‌الله مستجابی، هر فردی با هر خلق و خویی جایگاهی داشت و این نشان از صلح کلی و عرفان بالای ایشان بود. ایشان به عنوان یک عارف و استاد اخلاق توانستند تأثیرات زیادی بر طلاب و افراد جویای معرفت بگذارند و الگوی برجسته‌ای برای نسل‌های آینده باشند. یکی دیگر از ابعاد شخصیتی آیت‌الله مستجابی، علاقه و فعالیت در زمینه ورزش‌های باستانی و پهلوانی بود. ایشان در تمام ذکر خانه‌های کشور، حق ضرب و رنگ در بالاترین سطح‌ها را داشتند و به مسئله ورزش به ویژه ورزش‌های باستانی اهمیت زیادی می‌دادند. با حضور فعال در این عرصه توانستند جوانان را به ورزش و پهلوانی ترغیب و از این طریق به تربیت جسم و روح آنها کمک کنند. آیت‌الله مستجابی به عنوان یک پهلوان واقعی، الگویی برای جوانان و علاقه‌مندان به ورزش‌های باستانی بودند. آیت‌الله مستجابی در عرصه‌های سیاسی و مبارزاتی نیز حضور فعالی داشتند. ایشان از همسترگان آیت‌الله کاشانی در ملی شدن صنعت نفت و از هم‌زمان شهید نواب صفوی بودند. بارها از سوی ساواک بازداشت شدند و تحت مراقبت قرار گرفتند. همچنین از نزدیکان مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی و از آزاداندیشان حضرت امام خمینی بودند. دیدارهای ایشان با رهبر معظم انقلاب نیز نشان از از تباط زدیکشان با مسئولان داشت. در مرداد ۹۸ و قبل از شیوع کرونا، دیداری بیش از یک ساعت با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب داشتند که این دیدار، نشان از اهمیت و جایگاه آیت‌الله مستجابی در میان مسئولان کشور دارد. در این دیدارها، آیت‌الله مستجابی همواره مسائل و مشکلات مردم را به مسئولان منتقل می‌کردند و محور وحدت، در مباحث سیاسی، اجتماعی و عمرانی بودند...»

■ از سفره‌اش همه متنعم بودند

و سرانجام اگر بنا باشد مردمانی که به محضر مستجابی راه یافته‌اند، او را با خصلتی به یاد آورند، قطعاً به میهمان نوازی و سفره داری‌اش اشارت خواهند بُرد. چه اینکه بسا از ایشان از این خوان سخا و کرم بر خوردار شده‌اند. حسن شجاعی، پژوهشگر علوم قرآنی در این زمره است:

«حضرت آیت‌الله مستجابی، پیرمردی مهربان، شیرین، ساده، صمیمی، خوش‌ذات، خوش‌قرحه، خوش‌حافظه، خوش‌سخن، خوش‌مشرَب و خوش‌ذوق بود. خنده‌های ملیحش، دل‌انگیز بود. مناعت طبع، سخاوت و بلندنظری‌اش، زبانزد عام و خاص بود. در خانه‌اش تا روز آخر، به روی کسی بسته نبود. هر که زنگ خانه را می‌نواخت، بی‌هیچ سؤالی در به رویش باز می‌شد. برای دردهای مردم، گوشی شنوا داشت و سخنانش مرهمی بر زخم‌ها بود. سفره‌دار بود و از سفره‌اش همه متنعم بودند. هر ظهر، خوان رحمتش را می‌گسترَد و هر که در خانه بود، باید پای سفره‌اش می‌ن نشست. چند باری که از روی ادب قصد ترک خانه هنگام گستردن سفره را داشتم، با عتابش روبه رو شدم. کسر شأن خود می‌دانست که میهمان در خانه‌اش باشد و تا روزهای آخر، یاد کرد نکند. چیزی را برای خود نمی‌دان‌دوخت و هرچه در خانه‌اش بود از میان مریدان و میهمانان تقسیم می‌کرد. با اینکه از روزگار تلخی‌های زیادی دیده بود، اما تلخ نشدا و لا یش، اصفهان را با جان و دل دوست داشت و از خشکی زاینده‌رود، دلش خون بود. بی‌اعتنا به دنیا بود، اما پیرانه‌سر طراوات و شادابی ایام شیباب را داشت. گود زورخانه را رها نکرد و تا روزهای آخر، در حد توان ورزش می‌کرد. جاذبه‌اش همه خلق را مفتون کرده بود. از دستار بر سرهای معتدل عصر خویش بود. در موضوعات دینی– اجتماعی، نه با یک غوره صبردی‌اش می‌شد و نه با یک مریز گرم‌شی‌اش. هرگز کور نداشت. همین هم باعث شده بود، در دل همه جا داشته باشد. از اقصی نقاط جهان برای دیدش می‌آمدند و در خدمتش می‌کوشیدند. وجودش، مروت محض بود. در نجابت و نژادگی‌اش حرف نبود. درشتی و نرمی‌اش به هم آمیخته بود. بی‌ادا و بازی و بدون ریاکاری رفتار می‌کرد. خودش بود، بایسته و رشک‌انگیز. نگاه روشنی به زندگی داشت. حرف که می‌زد، گویا اینکه شعر می‌سرود. کمتر می‌شد کنارش بنشینى و شعر نشنوى. کمتر می‌شد کنارش بنشینى و خاطره نشنوى. دنیا دیده بود. از عراق، هند و لبنان گرفته تا برلین و برخی کشورهای اروپایی را گشته بود. از همه جا و از همه کس خاطره داشت، از جمارزاده و کسروی گرفته تا ابوالحسن اصفهانی، کاشانی، قاضی و نواب صفوی. با چند زبان آشنا بود و گاهی به زبان‌های مختلف، ضرب‌المثل نقل می‌کرد. تاریخ ناطق بود و صحبت‌هایش منبع تاریخ معاصر بود. برگ‌های مسکوتی از تاریخ معاصر به همت او امروزه برای ما روشن شده است و به همین خاطر نیز مرکز اسناد انقلاب اسلامی در تدوین خاطراتش همت گمارد...»

■ کلام آخر

منش اخلاقی چهره‌هایی چون زنده‌یاد آیت‌الله سید مر ترضی مستجابی، میراثی گرانسنگ برای طلاب جوان حوزه‌های علمیه به شمار می‌رود. آنان که در روزگار بلاخیز کنونی با چالش‌های فراوان نظری و عملی مواجه‌شد و همواره باید به کارآمدی منش اجتماعی خویش نظر داشته باشند. به کارگیری تجربه آن فقید سعید می‌تواند در جذب همه اقشار و به ویژه جوانان بسیار مؤثر و مفید باشد.



آیت‌الله سیدمر ترضی مستجابی در کنار امام موسی صدر و جمعی از علمای اصفهان